

حماسه سیاسی در سیره حضرت زهرا سلام الله علیها - راحله کاردوانی، نهله غروی نائینی

فصلنامه تخصصی مطالعات قرآن و حدیث سفینه

سال یازدهم، شماره ۴۳ «ویژه پژوهش‌های فاطمی»، تابستان ۱۳۹۳، ص ۹۸ - ۱۱۴

حماسه سیاسی در سیره حضرت زهرا سلام الله علیها

راحله کاردوانی *

نهله غروی نائینی **

چکیده: «حماسه سیاسی» ترکیبی مبین حضور و نقش آفرینی آگاهانه و مؤثر در عرصه سیاست در اوضاع و شرایط خاص تاریخی، اجتماعی و فرهنگی بوده و دارای مؤلفه‌ها و مصادیق متفاوتی در هر عصر و زمان است. سیره حضرت زهرا سلام الله علیها به ویژه خطاباتشان پس از ارتحال پیامبر ﷺ را می‌توان یک دستورالعمل عقیدتی، کلامی و سیاسی دانست که حکایت از بینش توحیدی و سیاسی زهرا ی مرضیه سلام الله علیها دارد. ایشان بارزترین مرجع رسیدگی به امور در دوران بحران سیاسی پس از رحلت پدر بود و شاید بتوان مهمترین رکن حیات ایشان را از جهات متفاوت، حماسه آفرینی‌های حضرتش در عرصه سیاست و دفاع از اسلام دانست.

کلیدواژه‌ها: سیره حضرت زهرا سلام الله علیها / حماسه سیاسی / ولایت / الگوی امامت.

*. دانشجوی دکتری دانشگاه تربیت مدرس.

** استاد دانشگاه تربیت مدرس.

حضرت زهرا سلام الله علیها آغازگر و بنیانگذار نهضت سیاسی دفاع از اسلام و حاکمیت آن در طول تاریخ است. ایشان با منشی که در عرصه‌های متفاوت خانوادگی و اجتماعی در دفاع از اسلام و مقام و شأن ولایت و امامت از خود ارائه داد، جبهه‌ای را گشود که مهمترین بازمانده آن، گم نشدن اسلام در تاریخ است. اسلامی که از همان آغازین لحظات، پس از رحلت نبی اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، با انحرافی عظیم مواجه شد و در معرض ورود به سراشیبی تند نابودی و فراموشی قرار گرفت. به راستی می‌توان حضرت زهرا سلام الله علیها را اولین سرباز فدایی جبهه دفاع از امامت دانست که مسیر مبارزه تا پای جان برای تمامی اعصار و ملل نشانه‌گذاری کرد. دریافت و درک این نشانه‌ها و علائم که مستلزم تدبیر و کاوش در مجموعه کاملی از رفتار، گفتار و تقریر زهرا اطهر سلام الله علیها است؛ می‌تواند موجد نگرش و حرکتی توأم با بصیرت و شور در هر مسلمان مجاهد باشد. بویژه برای زن امروز که اسوه‌ای درخور تبعیت را می‌طلبد تا در سایه آن چگونه شدن و چگونه ماندن را دریابد، فاطمه زهرا سلام الله علیها بهترین و کامل‌ترین الگو است؛ زیرا که به فرموده رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «اگر همه خوبی‌ها و کمالات به صورت شخصی درآید، آن شخص فاطمه است، بلکه از آن هم والا تر. دخترم فاطمه بهترین اهل زمین است؛ از جهت عنصر وجودی، شرافت و کرامت» (ابن شاذان، ۱۴۰۷ق، ص ۱۳۶؛ بحرانی اصفهانی، ۱۴۱۳ق، ج ۱۱، ص ۱۲۷).

با عنایت به اینکه عرصه‌های مختلف حیات حضرت زهرا سلام الله علیها می‌تواند در الگوسازی برای زن مسلمان و در ابعادی خاص، برای هر انسان، مورد واکاوی قرار گیرد؛ در این پژوهش، بخشی از سیره حضرت سلام الله علیها که بطور خاص مورد نظر قرار دارد، ناظر به حضور و فعالیت‌های سیاسی ایشان است، که با تکیه بر مفهوم و شرایط خلق «حماسه» ارائه شده است. در این راستا ابتدا مفهومی از «حماسه سیاسی» و

سپس مؤلفه‌های مختلف حضور حماسی حضرت زهرا سلام الله علیها در عرصه نقش آفرینی سیاسی اعم از ویژگی‌ها و روش‌های مبارزه بیان شده است.

۱- مفهوم‌شناسی «حماسه سیاسی»

حماسه واژه‌ای عربی و از ریشه «حمس» به معنای شدت، صلابت، شجاعت، دلاوری، حمیت (غیرت‌ورزی) و دلیری است (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۶، ص ۵۸؛ جوهری، ۱۴۱۰ق، ج ۳، صص ۹۱۹-۹۲۰). این واژه در فرهنگ فارسی نیز به معنای دلیری کردن و شجاعت آمده است (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۶، ذیل واژه حماسه؛ معین، ۱۳۶۰، ج ۱، ص ۱۳۷۲).

در مورد واژه «سیاست» معانی متعددی، در لغت و اصطلاح بیان شده است. بطوریکه گفته می‌شود بیش از دویست تعریف در مورد آن مطرح شده است. سیاست در لغت فارسی به معنای «تدبیر امور و مصلحت اندیشی و دور اندیشی» آمده است (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۳۸، ذیل واژه سیاست). در تعریف اصطلاحی آن امام خمینی (ره) می‌فرماید: «سیاست این است که جامعه را هدایت کند و راه ببرد، تمام مصالح جامعه و تمامی ابعاد انسان و جامعه را در نظر بگیرد و اینها را به طرف چیزی که صلاحشان هست هدایت کند.» (موسوی خمینی، ۱۳۶۱، ج ۱۳، ص ۴۳۲)

براساس این تعاریف می‌توان گفت؛ با رویکردی اسلامی، «حماسه سیاسی» اصطلاحاً به کنش یا واکنشی در راستای هدایت و مصلحت اندیشی جامعه اطلاق می‌شود که مبتنی بر روحیه غیرت‌مندی، شجاعت، ایستادگی و عدالت‌خواهی است. لذا حماسه سیاسی در مفهوم اصلی خود، در شرایط خاص و توسط شخصیت‌های ویژه شکل می‌گیرد.

اسلام هر نوع حرکت و فعالیتی را که در ارتباط با حاکمیت و اداره امور جامعه رخ دهد، به عنوان یک فعالیت سیاسی جایز تلقی نمی‌کند. بلکه با تعریف اهدافی متعالی و با قرار دادن میزان و شاخص‌های ویژه، هر فعالیت را مورد سنجش قرار می‌دهد. به همین دلیل است که یک فعالیت‌سیاسی با ویژگی‌هایی خاص را «بغی» می‌داند و «باغی»

را مستحق مرگ می‌شمارد و فعالیت سیاسی دیگر را تحت عنوان «جهاد» ارزیابی کرده و برای «مجاهد» اجر عظیمی در نظر می‌گیرد. ورود به شناخت این اهداف، ویژگی‌ها و شاخص‌ها از رسالت و ظرفیت این مقاله خارج است. تنها باید در نظر داشت که اعتقاد به «عصمت» حضرت زهرا سلام الله علیها بر اساس آیه ۳۳ سوره احزاب "انما یرید الله لیذهب عنکم الرجس اهل البیت و یطهرکم تطهیراً" از ضروریات دین اسلام است و بر این مبنا، قول و فعل و تقریر ایشان برای ما حجت است. شخص مبارک حضرت زهرا سلام الله علیها نیز در خطبه فدکیه بر عصمت خویش تأکید کرده، می‌فرماید: «ایها الناس اعلموا انی فاطمة و ابي محمد صلی الله علیه و آله أقول عوداً و بدواً و لا أقول ما أقول غلطاً و لا أفعل ما أفعل شططاً (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۲۹، ص ۲۲۳) ای مردم بدانید؛ همانا من فاطمه‌ام و پدرم محمد است، حرف اول و آخرم همین است، آنچه می‌گویم اشتباه نیست و آنچه انجام می‌دهم گزاف نیست».

علاوه بر این، براساس روایات متعددی (ر.ک: کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱، صص ۲۳۹ و ۲۴۰؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۲۶، صص ۱۸ و ۴۴؛ صفار، ۱۴۰۴، صص ۱۵۲ و ۱۵۷) مصحف حضرت زهرا سلام الله علیها از جمله منابعی است که در اختیار پیشوایان معصوم علیهم السلام قرار داشته و به فرموده امام صادق علیه السلام کتابی است که در آن تمامی حوادث و اخبار غیبی و جریاناتی که پادشاهان تا روز قیامت انجام می‌دهند آمده است (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۲۶، ص ۱۸). وجود این کتاب، نشان از ارتباطات غیبی فاطمه سلام الله علیها با حضرت حق و بصیرت عمیق و خاص آن حضرت دارد. لذا در برداشت از سیره سیاسی زهرا سلام الله علیها علاوه بر آنکه به ارزیابی فعالیت‌ها بر مبنای شاخص‌های دین اسلام نیازی نیست، بلکه می‌توان هر عمل را به عنوان میزانی صحیح و کامل مورد نظر قرار داد. همچنین، نگاهی هر چند گذرا به خطابات حضرت سلام الله علیها به خوبی نمایان می‌سازد که دیدگاه‌های سیاسی ایشان مبتنی بر آگاهی، عقلانیت و جهان‌بینی توحیدی است.

۲- حماسه سیاسی در سیره حضرت زهرا سلام الله علیها

برای دستیابی به ابعاد حماسه آفرینی‌های سیاسی حضرت زهرا سلام الله علیها باید به تاریخ یا آنچه از سیره ایشان اعم از گفتار و رفتار و تقریر نقل شده است، رجوع کرد. چرا که تاریخ، گویاترین زبان برای بیان حقایق است.

علیرغم آنکه حضور و فعالیت‌های سیاسی حضرت زهرا سلام الله علیها را نمی‌توان تنها به دوران ۷۵ روزه و به قولی ۹۵ روزه حیات ایشان پس از رحلت رسول خدا ﷺ خلاصه نمود، لیکن مهمترین بخش حضور سیاسی زهرا اطهر سلام الله علیها را می‌توان در دفاع از مقام امامت، پس از رحلت رسول خدا ﷺ و بروز انحراف در مسیر خلافت دانست. در این مجال، با تمرکز بر این مرحله از حیات سیاسی حضرت زهرا سلام الله علیها، ابعاد کلی بررسی حماسه سیاسی در سیره ایشان را در سه بخش شرایط تاریخی، جامعیت در محتوا و روش‌های مبارزه مورد نظر قرار داده‌ایم که در ادامه به تفصیل بیان خواهند شد.

۳-۱- شرایط تاریخی

منظور از بُعد «شرایط تاریخی» در حماسه آفرینی سیاسی زهرا اطهر سلام الله علیها؛ وجود اوضاع و شرایط خاص تاریخی پس از رحلت رسول خدا ﷺ است. این دوران به دلیل وجود سه ویژگی، دچار بحران عظیمی بود. از یک سو در این دوران، شرایط خفقان حاکم بود، بطوریکه هیچ کس قدرت انتخاب نداشت. این شرایط را بخوبی می‌توان از گزارشات تاریخی که در مورد بیعت گرفتن از حضرت علی علیه السلام و برخی از اصحاب ایشان وجود دارد درک کرد.

هنوز از دفن پیامبر فارغ نشده بودند که خاندان پیامبر و دوستان ایشان را برای بیعت کردن تحت فشار قرار دادند و به سوزاندن خانه آنان تهدید کردند. موضوع تهدید حضرت علی علیه السلام به سوزاندن خانه‌اش به تواتر قطعی ثابت شده است (ر.ک: شرف‌الدین، ۱۳۸۸،

ص ۷۴؛ ابن عبد ربه، ۱۴۰۴، ج ۲، ص ۴۴۳ و ج ۳، ص ۶۳؛ طبری، بی تا، ج ۲، ص ۴۴۳؛ ابن قتیبہ دینوری، ۱۳۲۲، ص ۱۳؛ طبرانی، ۱۴۰۴، ج ۱، ص ۶۲ به نقل از غروی نائینی، ۱۳۸۹، ص ۴.

در چگونگی رفتار با امیرالمؤمنین علیه السلام (پسر عمو و داماد پیامبر صلی الله علیه و آله) نوشته‌اند؛ ریسمان به گردن علی علیه السلام انداختند، «کَالْجَمَلِ الْمَخْشُوشِ»، مانند شتری که استخوان بینی او را از عرض سوراخ کرده‌اند و در آن خشاش که چوبی مخصوص است، قرار داده‌اند (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۸۲، ص ۲۶۳). کنایه از اینکه کاملاً او را در کنترل داشتند.

در چنین موقعیت خطیری که حضرت علی علیه السلام به دلایل متعدد، سیاست سکوت اعتراض‌آمیز را اختیار کرده بودند (ر.ی: شرف‌الدین، ۱۳۸۸، ص ۷۸) و فرزندانشان نیز به جهت صغر سن، دارای پذیرش مردمی برای اقدامات گسترده نبودند و نیز مسأله غصب فدک - که به یک معنا غصب ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام بود و دشمن به همین دید و نظر آن را از فاطمه سلام‌الله‌علیها گرفت - پیشامد کرده بود؛ فاطمه زهرا سلام‌الله‌علیها تنها حماسه آفرین میدان سیاست به شمار می‌رفت و به راستی در این میدان چنان مقتدر عمل نمود که طبق نقل مسعودی، تا ایشان در قید حیات بود، غاصبان خلافت نتوانستند از حضرت علی علیه السلام بیعت بگیرند (مسعودی، ۱۴۰۹، ج ۲، ص ۳۰۸).

نقل شده حضرت زهرا سلام‌الله‌علیها در آن موقعیت دشواری که در واقعه سوزاندن درب منزلشان قرار داشتند، از پشت درب، در خطابه‌ای نسبت به مهاجمان از ولایت مولا علی علیه السلام دفاع کرده فرمودند: «گروهی که دیدارشان ناگوارتر از شما باشد سراغ ندارم، پیکر رسول خدا صلی الله علیه و آله را در میان دستان ما واگذاشته رفتید و کار را در بین خود و بدون مشورت با ما تمام کردید و برای ما حقی قائل نشدید. گویا شما نمی‌دانید آن حضرت در روز غدیر خم چه فرمود. سوگند به خدا در آن روز، عقد ولایت را بر علی استوار ساخت تا بدین وسیله امید و آرزوی شما را از آن قطع کند و لیکن شما رشته روابط بین خود و پیامبرتان را بریدید و خداوند میان ما و شما در دنیا و آخرت داور و حسابگر است.» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۲۸، ص ۲۰) لذا زهرای مرضیه سلام‌الله‌علیها در اوج صلابت

و دلیری، از هیچگونه موقعیتی برای حماسه آفرینی در میدان سیاست غفلت نورزیده، به تمام و کمال، این رسالت الهی را به انجام رسانید.

جهت دیگری از شرایط تاریخی، پس از رحلت رسول خدا ﷺ، روبرو شدن جامعه مسلمانان با بحران عظیم انحراف از مسیر وحی و باز شدن باب اجتهاد در برابر نص در مسائل دین بود که کم کم به نقض سنت‌های رسول خدا ﷺ انجامید. اجتهاد در برابر نصی که با تشکیل سقیفه و انتصاب خلیفه، علیرغم وجود حضرت علی ع که منتخب قطعی رسول خدا ﷺ با دستور وحی بود، آغاز شد و تا پایان خلافت خلفای ثلاثه، به سبلی ویرانگر نسبت به اصل و اساس دین اسلام مبدل گشت. بطوریکه می‌بینیم تنها صد مورد از موارد برجسته مخالفت با نص صریح دین و بدعت‌گذاری‌های فراوان خلفا را علامه شهیر، سید عبدالحسین شرف‌الدین در کتاب «اجتهاد در برابر نص» با ذکر منابعی از شیعه و سنی جمع‌آوری نموده است.

حضرت زهرا سلام‌الله‌علیها در خطبه فدکیه می‌خواهد چنین مشکل بزرگی را که پس از رحلت رسول خدا ﷺ بر جامعه مسلمانان حاکم شده، گوشزد کند و آن فکری است که در مقابل نص شروع شده و نمایانگر آن است که فردا اجتهادهای دیگری در مقابل نص ظاهر می‌شود. تاریخ گواه است که این پیش‌بینی زهراى مرضیه سلام‌الله‌علیها چگونه به وقوع پیوست. اینکه آن حضرت سلام‌الله‌علیها در خطبه خویش در مسجد مدینه پیش از مخاطب قرار دادن خلیفه، فریاد مظلومانه خود را متوجه مسلمانان می‌نماید و می‌فرماید: «شما بندگان خدا مورد امر و نهی او و حاملان دین و وحی او هستید و امانتداران خدا نسبت به خویشان و مبلغان او نسبت به ملت‌هایید» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۲۹، ص ۲۲۰)، در حقیقت وظیفه هر مسلمان را در مقام یک فرد از امت برای تحقق بخشیدن به آرمان‌های حکومت اسلام گوشزد می‌کند و این امر، نشان از وجود بحرانی عظیم در آن عصر و زمان دارد. این بحران همان بحران رهبری امت است که موجب

پیدایش دستگاه خلافت با وجود حضور ولیّ و وصی مورد وثوق و تأیید پیامبر اسلام شده است.

زهرای سلام الله علیها در خطبه‌ای که در جمع زنان مهاجر و انصار ایراد فرمود به گوشه‌ای از عواقب چنین انحرافی اشاره کرد: «... سوگند به جانم! کردارشان به بار نشسته. اندکی مهلت تا نتیجه دهد و بزیاید. آنگاه به جای شیر، خون تازه و سمّ مهلک بدوشند و قحح را لبریز کنند و در آنجاست که باطل‌گرایان زیان می‌بینند و آیندگان از نتیجه کار گذشتگان آگاه می‌گردند... پس به دست شستن از جانان آماده شوید و دل برای وقوع فتنه مطمئن دارید. و مزده باد شما را به شمشیر برآن و سلطهٔ تجاوزگر ظالم و آشوب فراگیر و استبداد و زورگویی ستمگران، به گونه‌ای که نصیبتان اندک و گروهتان بیچاره و مستأصل شود...» (همان، ج ۴۳، ص ۱۵۸).

اولین نشانه‌های ایجاد انحراف از مسیر وحی و رسالت پس از ماجرای سقیفه، در خطبهٔ ابوبکر نمایان شد. نقل شده؛ وقتی ابوبکر آمد و بالای منبر نشست، ابتدا گریه کرد و بعد چنین گفت: «پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در اتخاذ تصمیمات و ادارهٔ امور، مستظهر (یاری شده) به وحی بود. ولی اکنون که وحی آسمانی با رحلت نبی اکرم صلی الله علیه و آله قطع شده است ناگزیریم در اتخاذ تصمیمات لازمه به اجتهاد و صواب دید فکری خود عمل کنیم». و بعد گفت: «ما نیز مانند شما گاهی نظر صحیح و گاهی راه خطا می‌پیماییم. اگر در امری اشتباه کردیم تذکر دهید و اشتباه ما را اصلاح کنید» (ابن قتیبه دینوری، ۱۳۶۳، ج ۱، ص ۱۶).

جهت سوم اوضاع تاریخی پس از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله که در دامن زدن به پیشبرد اهداف غاصبان خلافت و متعرضان به حریم ولایت بسیار تأثیرگذار بود، سکوت و کناره‌گیری خواص و یا به تعبیر زهرای اطهر سلام الله علیها «مَعَشَرُ النَّقِيبَةِ» به معنای «گروه بزرگان و یاران شریعت»، در برابر انحراف در حال وقوع و تعرض نسبت به خاندان رسول خدا صلی الله علیه و آله بود. این ویژگی، به خوبی از خطابات مستقیم و غیرمستقیم آن حضرت

سلام‌الله‌علیها به مسلمانان قابل درک است. ایشان در خطبه فدکیه، با تندی و گلایه آمیز، ساکتین نسبت به فتنه و کسانی که با وجود سابقه عظیم در دفاع از اسلام و پیامبر صلی الله علیه و آله، اکنون دچار سست عنصری و سهل انگاری در دفاع از حریم اهل بیت رسول خدا صلی الله علیه و آله شده‌اند را خطاب قرار داده، فرمودند: «ای گروه نقباء، ای بازوان ملت، ای حافظان اسلام، این ضعف و غفلت در مورد حق من و این سهل انگاری از دادخواهی من چرا؟ آیا پدرم پیامبر نمی‌فرمود: «حرمت هرکس در فرزندان او حفظ می‌شود»، چه به سرعت مرتکب این اعمال شدید، و چه با عجله این بز لاغر، آب از دهان و دماغ او فرو ریخت، در صورتی که شما را طاقت و توان بر آنچه در راه آن می‌کوشیم هست و نیرو برای حمایت من در این مطالبه و قصدم می‌باشد» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۲۹، ص ۲۲۶).

همچنین حضرت زهرا سلام‌الله‌علیها در بیانات خود خطاب به زنان مهاجر و انصار بر وجود و عواقب این مسأله تأکید کرده، فرمودند: «از مردانتان ناخشنودم... چه زشت است کندی در شمشیر و سستی در نیزه و پراکندگی در رأی... وای بر ایشان چگونه بنای حکومت را از پایه‌های استوار رسالت و زیر بنای نبوت و هدایت و فرودگاه جبرئیل و شخصیت آشنای به امور دنیا و دین دور کردند؟! آگاه باشید این زیانکاری آشکار است...» (همان، ج ۴۳، ص ۱۵۸).

بنابراین حضرت فاطمه سلام‌الله‌علیها با بصیرت و موقع‌شناسی لازم، هم پیشامد بحران را با تمام جوانب آن تشخیص دادند و هم با انجام سلسله فعالیت‌هایی، برآستی حماسه‌ای سیاسی در آن شرایط پر تنش و آلوده به خشم ناهالان و سکوت و انزوای یاران رقم زد.

۳-۲- جامعیت در محتوا

گفته شد که یکی از ارکان مهم در شخصیت‌های حماسی، تشخیص مصالح جامعه و حرکت در مسیر تحقق آن است. با دقت نظری بر خطابات فاطمه سلام‌الله‌علیها

علیها، جامعیت کلام ایشان که مبین قدرت بصیرت و تشخیص مصالح جامعه توسط حضرت سلام الله علیها است، کاملاً روشن است. ایشان در خطابات خود تنها به بعد سیاسی و اجرایی قضایا نظر ندارد، بلکه تمام ابعاد و جهات قضایا - به خصوص ابعاد معنوی - را مورد توجه قرار داده، افق‌های دور مسأله را نیز می‌بیند.

خطابه زهرای اطهر سلام الله علیها در مسجد مدینه، یک دائرة المعارف عقیدتی، کلامی، تاریخی، سیاسی و حتی روانشناسی است که به صورت کاملاً نظام‌مند و با لحاظ سلسله مراتبی منطقی ایراد شده است. به طوریکه به خوبی می‌توان جامع‌نگری و جمعیت خاطر شخصیت اندیشمند حضرت زهرا سلام الله علیها را درک کرد و بدون احساس سردرگمی و تشتت، از معارف این خطابه بهره برد. ایشان ترسیمی کلی از ایدئولوژی سیاسی اسلام، شامل تبیین وضع موجود (انحراف از مسیر امامت)، وضع مطلوب و آرمانی (اطاعت از امامت و اهل بیت برای رسیدن به سعادت) و طریق رسیدن به وضعیت آرمانی (با تمسک به قرآن و آموزه‌های اهل بیت) را ارائه داده است.

حضرت زهرا سلام الله علیها در این خطابه، کلام خویش را پس از حمد و ثنای الهی، با مبانی مهم اعتقادی آغاز می‌کنند و مباحث عمیقی را در موضوعات توحید و سپس نبوت مطرح کرده، متذکر تأثیر رسول اکرم صلی الله علیه و آله در زندگی مردم می‌شود. آنگاه مردم عصر خویش را مورد خطاب قرار داده، می‌فرماید: «شما برای اسلام خیلی زحمت کشیدید.» تا حق زحماتی که مردم جهت برپایی اسلام متحمل شدند، ضایع نشود و از سوی دیگر، یادآوری کند که وجود این اسلامی که می‌خواهیم پابرجا بماند، حاصل زحمات خود شما نیز هست. سپس همین جمعیت را به جهت سستی‌ها و غفلت‌ها - ایشان در رابطه با نحوه حاکمیت بعد از رحلت رسول خدا صلی الله علیه و آله به شدت مورد انتقاد قرار می‌دهد. لذا از آن جهت که مردم زحمت کشیدند و انقلابی اسلامی را به ثمر رساندند، آنها را مورد توجه قرار می‌دهد و از آن جهت که همین مردم نسبت به ادامه انقلاب

غفلت کردند و تداوم اسلام را در مدیریت اجرایی یک انسان معصوم نمی‌بینند، متعرض آنهاست و خطر آن را گوشزد می‌کند. در ادامه سخن به لزوم تبعیت از قرآن اشاره دارند. چرا که این تبعیت از قرآن است که به راحتی آنها را به سوی علی علیه السلام به عنوان امامی معصوم راهنمایی می‌کند. در ادامه به فلسفه احکام اشاره‌ای دارند تا روشن شود که این خانواده به باطن دین دسترسی دارند و سپس خودشان را معرفی می‌کنند که بسی جای تأمل دارد. مگر مردم ایشان را نمی‌شناختند؟ در حقیقت ایشان با تذکری تلخ، اشاره می‌کند که **من همان فاطمه‌ام** که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم بارها در مورد وی با شما سخن می‌گفت.

آن حضرت می‌خواست بفرماید که من همان فاطمه‌ام که رسول الله فرمود: "انما فاطمه بضعة منی فمن اغضبها فقد اغضبنی" (قندوزی، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۱۶۹؛ مجلسی، ج ۴۳، ص ۳۹).

زهرای مرضیه سلام الله علیها در فرازهای بعدی کلام، وارد اصل مباحث سیاسی می‌شود و پس از بیان شرایط تحقق انقلاب دینی در جامعه و تأکید بر نقش امیرالمؤمنین علیه السلام در این مسأله، به جایگاه و خصوصیات نفاق و علت سر برآوردن چهره نفاق در جامعه پس از رحلت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می‌پردازد. آنگاه عملکرد و روش غصب خلافت را روشن می‌کند. سپس دروغ غاصبان و باطن شعارهایشان را برای بالا بردن سطح هوشیاری اجتماعی مردم آشکار می‌سازد تا بخوبی جایگاه حيله و مکر نفاق در این موضوع روشن شود. سپس در ادامه سخن، مسأله غصب فدک را به عنوان نمونه‌ای از ضعف‌های خلیفه و عمل وی برخلاف نص قرآن، با استنادات روشن قرآنی بیان می‌کنند. ایشان در یک مباحثه علمی با ابوبکر، منطق او را که منکر ارث بردن فاطمه سلام الله علیها از پدرشان است نقض می‌کند تا روشن شود کسی که قرآن و دین را نمی‌فهمد، چگونه خلیفه مسلمانان شده است؟ زهرای اطهر سلام الله علیها به درستی با طرح نمونه‌ای عینی و روشن، به اثبات غصب خلافت می‌پردازد و البته این نمونه را

پس از بیان مبانی و کلیات بحث خویش در نظام موضوعات خود مطرح می‌کند. حضرت زهرا سلام الله علیها در مباحث پایانی خطابه خود اذعان دارند که من همه این مطالب را برای اتمام حجت بیان کردم تا چراغ هدایت و عامل تغذیه انسان‌های هوشیار در تمام طول تاریخ باشد. لذا خطاب اصلی حضرت سلام الله علیها به ادامه‌دهندگان نهضت دفاع از اسلام در تمامی اعصار است. چرا که به روشنی بیان می‌کنند که دیگر انتظار همراهی از آن جمعیتی که اطراف ایشان هستند را ندارند. می‌فرمایند: «آگاه باشید من گفتم آنچه را گفتم در حالیکه به روش و نهادن و یاری ندادن که در سینه‌ها تان جای گرفته و منش پیمان‌شکنی که بر دل‌ها تان نشسته‌اشنانیم». (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۲۹، ص ۲۲۸)

همچنین حضرت زهرا سلام الله علیها به خوبی روانشناسی انسانهای مسامحه کار نسبت به این حماسه را مطرح می‌کند. ایشان علل دل بستن به آسایش دنیا و گرایش به رفاه‌زدگی و ثروت‌اندوزی را به عنوان عوامل اصلی پشت کردن به معصوم علیها السلام بیان کرده، گام نهادن در مسیر دفاع از اسلام را در گرو هوشیاری و تقوا می‌داند.

جامعیت محتوا و فصاحت و بلاغت در کلام زهرای مرضیه سلام الله علیها در این خطابه، به گونه‌ای است که شاید بتوان گفت این خطبه، مادر نهج البلاغه است. چرا که عصاره‌ای از سلسله بحث‌های اصلی مولاعلی علیه السلام که پس از این خطابه ایراد شده و در نهج البلاغه گرد آمده‌اند؛ در خطابه فاطمه سلام الله علیها قابل درک است. به ویژه که این خطابه سالها پیش از خطبه‌های امیرالمومنین علیه السلام ایراد شده است.

۳-۳- روش‌های مبارزه

توجه به روش‌های مبارزه در حماسه سیاسی حضرت زهرا سلام الله علیها از ملزومات اصلی کسب شناختی کلی از ابعاد این حماسه است. ایشان از روش‌های متفاوت و متناسب با زمان و مخاطب خویش استفاده کرده‌اند و به راستی که ماندگاری حرکت و پیام الهی خود در دفاع از اسلام و مقام ولایت را به این وسیله تضمین

نموده‌اند.

۳-۳-۱- خطابه‌های روشنگر

یکی از روش‌های اصلی مبارزه در حرکت زهرای اطهر سلام الله علیها، ایراد خطابه بوده است. ایشان از همان آغازین روزهای غصب خلافت، با این روش به علنی ساختن حرکت و هدف خویش پرداختند. خطابه‌ای را در مسجد پیامبر ﷺ - که مهمترین مکان سیاسی - اجتماعی عصر ایشان به شمار می‌رفت - خطاب به تمامی مسلمانان و خلیفه وقت ایراد فرمودند، خطابه‌ای دیگر را در پشت درب نیمه سوخته منزل در هنگام هجوم غاصبان که برای بیعت گرفتن از امام علی علیه السلام آمده بودند، خطاب به مهاجمان بیان کردند و خطابه‌ای رانیز در بستر بیماری در آخرین روزهای حیات خویش خطاب به گروهی از زنان مهاجر و انصار که به عیادت ایشان رفته بودند بیان فرمودند و در حقیقت با این خطاب، میدان مبارزه سیاسی را به درون خانه‌های مدینه کشاندند. در کنار اینها، چهل شب به همراه علی بن ابی‌طالب علیه السلام با یاران گذشته رسول خدا ﷺ به صورت خانه به خانه ملاقات داشتند و سخنان رسول الله ﷺ و جانسپینی بر حق حضرت امیر علیه السلام و غصب خلافت را گوشزد و اتمام حجت می‌نمودند.

زهرای مرضیه سلام الله علیها در خطابات خود با صراحت لهجه و استناد به آیات وحی، سعی در برانگیختن و بیدارسازی جمعیت مسلمانان، رسوا کردن خلیفه وقت و مبارزه با بدعت‌گذاری در دین داشتند.

۳-۳-۲- سکوت اعتراض

از دیگر روش‌های زهرای اطهر سلام الله علیها، اختیار سکوت اعتراض‌آمیز و بی‌اعتنایی و تحقیر غاصبان است. ایشان پس از توییح و تهدید غاصبان و اتمام حجت با آنها و ساکتین نسبت به فتنه؛ موضع اعتصاب سخن (سکوت سیاسی) در برابر حاکمان وقت اتخاذ کردند. ایشان پس از خطابه غرای خود در مسجد و دفاع از فدک و استیضاح

خليفة وقت، رسماً به ابوبکر اعلام کرد: «اگر فدک مرا پس ندهی تا زنده هستم با تو سخن نمی‌گویم» (همان، ج ۲۹، ص ۲۲۷). به همین دلیل، هر جا به ابوبکر برمی‌خورد، صورت را برمی‌گردانید و با او حرف نمی‌زد (سیوطی، ۱۴۱۴ق، ص ۶۷؛ بخاری، ۱۴۰۱ق، ج ۸، ص ۲۶ و ۲۱۰). همچنین نقل شده که در آخرین روزهای حیات حضرت زهرا سلام‌الله‌علیها وقتی ابوبکر و عمر تقاضای ملاقات ایشان را کردند، ابتدا فاطمه سلام‌الله‌علیها پذیرفت و زمانی که بعد از تقاضای امیرالمؤمنین علیه السلام پذیرفت، چنان با سردی برخورد کرد که گزارش آن دیدار به یک سند تاریخی برای اثبات خشم آن حضرت نسبت به خلفا تبدیل گردید (ر.ک: مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۴۳، صص ۱۹۸ و ۱۹۹). این سکوت و تحقیر، برای اذهان عمومی مردم بسیار سؤال برانگیز و جالب توجه بود که چرا از حضرت زهرا سلام‌الله‌علیها که در تمامی مراحل مبارزاتشان، حرکت و حضور را می‌دیدند، اکنون چنین منشی دیده می‌شود. در حقیقت این سکوت، خودش نوعی حضور قدرتمند و آگاهانه از سوی حضرت سلام‌الله‌علیها بود. چرا که اذهان عمومی را از جهات مختلفی تحت تأثیر قرار می‌داد و مهمترین جهت آن این بود که مبین خشم دخت نبی بود. خشمی که به فرموده رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم موجب خشم خدا و رسول او است (همان، ص ۱۹).

۳-۳-۳ گریستن

از دیگر روش‌های حماسه‌سازی زهرای مرضیه سلام‌الله‌علیها در عرصه سیاست، بروز رفتار سیاسی در قالب گریستن در سوگ نبی خدا صلی الله علیه و آله و سلم بود، که عمدتاً در مراکز اجتماع مسلمانان (بر سر قبر رسول خدا، شهدای احد و قبرستان بقیع) انجام می‌شد (علم الهدی، ۱۳۶۹، ص ۳۸). نقل شده یکی از پنج نفری که در دنیا بسیار گریسته‌اند، حضرت زهرا سلام‌الله‌علیها می‌باشند (حسینیان قمی، ۱۳۷۹، ص ۱۲۹)، که این مسأله نشان از عمیق بودن درد و رنج ایشان دارد. حضرت سلام‌الله‌علیها در بیان احوال خود در پاسخ به ام سلمه فرمودند: «در میان انبوه غم و گرفتاری هستیم: از دست دادن پیامبر و مورد ستم قرار

گرفتن وصی او». (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۴۳، ص ۱۵۵) لذا ناراحتی ایشان بیشتر به خاطر سرنوشت مسلمانان بوده تا وضعیت روحی خویش. زیرا در سخن خویش از دو عنوان پیامبر و وصی استفاده می‌کنند نه پدر و همسر. لذا ایشان در بیان علل اندوه خویش، به مسائل اجتماعی اشاره دارند و نه مسائل خانوادگی.

در سؤال و جواب‌های دیگری، زهرای مرضیه سلام‌الله‌علیها از ستم روا داشته شده بر وصی پیامبر گله می‌کند و آنرا علت اندوه خویش بیان می‌نماید (دشتی، ۱۳۷۲، ص ۲۴۵). لذا گریه‌های علنی ایشان نماد یک رفتار سیاسی در مقابل حکومت غاصب بوده که به دلایل انحراف حکومت اسلامی از مسیر اصلی خویش، از دست رفتن زحمات پیامبر اسلام ﷺ، ابراز خشم و ناراحتی از حکومت انحرافی و نشان دادن نگرانی خویش از وضع موجود انجام شده است.

تأثیر این روش مبارزه زهرای اطهر سلام‌الله‌علیها کمتر از خطابه ایشان نبوده و این تأثیر را می‌توان از ماندگارترین پیام‌های مبارزات سیاسی ایشان به شمار آورد. چرا که این گریه‌ها با ظاهر عاطفی، معنایی عقلانی در خود نهفته داشتند تا تاریخ عقلا را به فکر وادارند که چرا حضرت زهرا سلام‌الله‌علیها که از نابینا چهره می‌پوشاند، گریه و اندوهش روز و شب در فضای مدینه می‌پیچید؟! این اشک، اشک خردمندان‌ای است تا فردی که از کمترین اندیشه برخوردار است، به تأمل بنشیند و با خود بگوید مگر چه حادثه‌ای رخ داده که باید فاطمه زهرا سلام‌الله‌علیها به جهت آن اشک بریزد؟ لذا این اشک، نشانه آگاهی و درک از وقوع فاجعه‌ای بزرگ در فرهنگ بشریت است.

۳-۳-۴ وصیت سیاسی

وصیت سیاسی زهرای مرضیه سلام‌الله‌علیها، مبنی بر تدفین شبانه و قبر مخفی (بخاری، ۱۴۰۱، ج ۵، ص ۱۳۹؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۴۳، ص ۱۹۲)، که با هیچ گونه تحریف و دستبرد از تاریخ محو نشد، آخرین اقدام هوشمندانه در حماسه آفرینی حضرتش و به نوعی تیر

خلاص ایشان به سوی حیثیت و مشروعیت خلیفه وقت بود. زیرا حضرت زهرا سلام الله علیها به خوبی می دانستند که صحابه دیروز و حيله گران امروز با شرکت در مراسم تدفین وی، درصدد احراز مشروعیت برای خویش می باشند. از این رو با این حرکت سیاسی خود مبنی بر تدفین شبانه و مخفی بودن قبرشان، به همگان فرمودند که اجرای اسلام واقعی بدون حکومت اسلامی امکان پذیر نیست و مسند حکومت اسلامی برآزنده غاصبان خلافت و امامت معصوم علیه السلام نمی باشد. ایشان در حقیقت با این عمل، انزجار خویش را هم از غاصبان حکومت و هم از مسلمانان منفعل در برابر حکومت جور که با سکوت خود به تحقق حکومت غاصب یاری رساندند، اعلام داشتند.

نتیجه گیری

فاطمه زهرا سلام الله علیها با خطابه های فرازمانی و فراجنسیتی خویش، به هر انسان مسلمانی می آموزد که در موضع اعتراض چگونه باشد. ایشان مبارزه با غاصبان را از طریق رفتارهای سیاسی خویش، عملاً به شیعیان می آموزد و با اشاره به مبارزات پیامبر صلی الله علیه و آله و امام علی علیه السلام در خطابات خود، مهمترین عنصر ایدئولوژی سیاسی شیعه را برای مسلمانان آینده ترسیم می کند که آن عدم سازشگری با دشمن است.

بنابراین مهمترین محورهای مبارزات سیاسی حضرت زهرا سلام الله علیها را می توان در موارد ذیل خلاصه نمود:

۱. تبیین ریشه ها و عواقب حاکمیت غیرمعصوم بر جامعه مسلمین
۲. بیان فلسفه امامت اهل البیت علیهم السلام بر جامعه اسلامی
۳. تبیین چگونگی ایجاد و رسوخ نفاق در جامعه
۴. اثبات انحراف پیش آمده در حاکمیت
۵. اعلان عدم مشروعیت خلافت ابوبکر
۶. مقابله با توطئه ترور شخصیت حضرت علی علیه السلام

۷. مبارزه با تساهل و تسامح خواص

۸. تبیین عوامل تساهل مسلمین نسبت به حاکمیت غیر معصوم علیه السلام

منابع

۱. ابن شاذان، محمد بن احمد، **مائة منقبة من مناقب امير المؤمنين و الائمه**، ۱۴۰۷ق، قم: مؤسسه الامام المهدي (عج).
۲. ابن عبد ربه، احمد بن محمد، **العقد الفريد**؛ تحقيق مفيد محمد قميحه، بيروت، دار الكتب العلميه، ۱۴۰۴.
۳. ابن قتيبه دينوري، عبدالله بن مسلم، **الامامة و السياسه**، ۱۳۶۳، قم: منشورات رضی.
۴. ابن منظور، محمد بن مكرم، **لسان العرب**، ۱۴۱۴ق، بيروت: دارصار.
۵. بحرانی اصفهانی، عبدالله بن نورالله، **عوامل العلوم و المعارف**، ۱۴۱۳ق، قم: مؤسسه الامام المهدي (عج).
۶. بخاری، محمد بن اسماعيل، **صحیح بخاری**، ۱۴۰۱ق، بيروت: دارالفکر.
۷. حسینیان قمی، مهدی، **زخم خورشید (کاوشی در زندگی حضرت زهرا)**، ۱۳۷۹، تهران: امیرکبیر.
۸. جوهری، اسماعیل بن حماد، **الصحاح - تاج اللغة و صحاح العربيه**، ۱۴۱۰ق، تحقيق احمد عبدالغفور عطار، بيروت: دارالعلم.
۹. دهخدا، علی اکبر، **لغتنامه**، ۱۳۷۷، چاپ دوم از دوره جدید، تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
۱۰. سیوطی، جلال الدین، **مسند فاطمه الزهرا و ما ورد فی فضلها**، ۱۴۱۴ق، بيروت: دار ابن خرم.
۱۱. شرف الدین، عبدالحسین، **اجتهاد در مقابل نص**، ۱۳۸۸، ترجمه علی دوانی، چاپ یازدهم، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر نشر اسلامی.
۱۲. طبرانی، سلیمان بن احمد؛ **المعجم الكبير**؛ تحقيق حمدي عبدالمجيد السلفي، چاپ دوم، بيروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۴.
۱۳. طبری، محمد بن جریر، **تاریخ طبری**، بيروت، مؤسسه الاعلمی، بی تا.
۱۴. علم الهدی، سیداحمد، **اشک های فاطمه سلام الله علیها**؛ پشتوانه علی علیه السلام، ۱۳۶۹، تهران: صدر.
۱۵. قندوزی، سلیمان بن ابراهیم الحنفی، **ینابیع الموده**، قم، نشر دار الكتب العراقيه، ۱۳۸۵.
۱۶. کلینی، محمد بن یعقوب، **الکافی**، ۱۴۰۷، چاپ چهارم، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۱۷. مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، **بحار الأنوار**، ۱۴۰۳، چاپ دوم، بيروت: دار احیاء التراث العربی.
۱۸. مسعودی، علی بن حسین، **مروج الذهب**، ۱۴۰۹ق، بيروت: دارالفکر.
۱۹. معین، محمد، **فرهنگ فارسی**، ۱۳۶۰، چاپ چهارم، تهران: امیرکبیر.
۲۰. موسوی خمینی، سیدروح الله، **صحیفه نور**، ۱۳۶۱، تهران: ارشاد اسلامی.